

مبانی مالکیت فکری

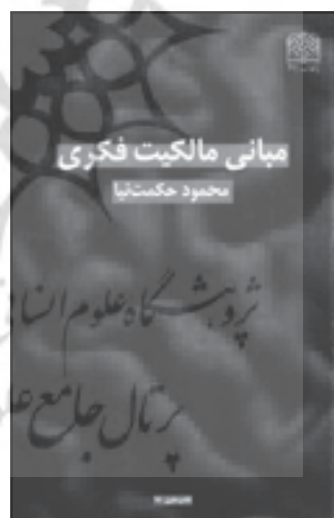
• جواد بشیری*

عضو هیئت علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی

و آسان‌تر شد. این دستاورد باعث شد میزان استفاده از آثار علمی از سوی افراد مختلف، به شدت گسترش یابد و در نتیجه، مالکان یا صاحبان آثار، دیگر کنترل و نظارت دقیقی بر چگونگی استفاده (استفاده یا کسب اجازه مخصوص) افراد جامعه از آثارشان را نداشتند. با بروز چنین وضعی و پامال شدن حقوق پدیدآورندگان، دولت‌ها و جوامع مختلف به فکر تصویب احکام و قوانینی افتادند که در سایه آن بتوانند حقوق صاحبان یا مالکان آثار را حفظ کنند.

قوانین حق مؤلف برای حمایت از آثار نویسندگان، به منظور جلوگیری از استفاده بدون اجازه مخصوص دیگران از آن اثر، رواج یافت. حق مؤلف به مالک اثر اجازه می‌دهد تا از فروش اثرش بهره‌مند گردد (پرل، و کارنی، ۱۳۷۹، ص ۴۰-۴۷). حق مؤلف تنها به حقوق مادی یا اقتصادی محدود نمی‌شود و مالکیت فکری و معنوی آثار را نیز به رسمیت شناخته و جامعه را ملزم می‌سازد که آن را مراعات کند (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹). حقوق مالکیت فکری به نسبت دیگر شاخه‌های حقوق، مبحث تازه‌ای است. در تعریف آن گفته‌اند که «عبارت است از حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری» (میرحسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۳). نیز در تعریف این شاخه از حقوق آورده‌اند که عبارت است از حقوقی که دارای ارزش اقتصادی و قابل دادوستد بوده، اما موضوع آنها شیء معین مادی نیست، بلکه فعالیت و اثر فکری انسان است (صفایی، ۱۳۷۹، ص ۲۷).

با توجه به طرح بحث جهانی شدن در سال‌های اخیر، رعایت حقوق مالکیت فکری و حق مؤلف و پایبندی به قوانین آن، که از پیش شرط‌های پذیرفته‌شدن هر کشوری در سازمان تجارت جهانی^۲ است، یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای مختلف است.



■ حکمت‌نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، ۴۹۲ ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۲-۰۰-۴

مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی، که خود منشأ پیدایش پیشرفت‌های دیگر در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی شده، اختراع چاپ در قرن ۱۵ میلادی بود. با اختراع چاپ، امکان تکثیر آثار علمی (چاپی)، نسبت به گذشته، بسیار سریع‌تر



با توجه به طرح بحث جهانی شدن در سال‌های اخیر، رعایت حقوق مالکیت فکری و حق مؤلف و پایبندی به قوانین آن، که از پیش شرط‌های پذیرفته‌شدن هر کشوری در سازمان تجارت جهانی است، یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای مختلف است

کتاب
اطلاعات ارتباطات و آموزش عالی

۳. آیا نظام حقوقی مالکیت فکری بر مبنای نظری خاصی استوار است و اگر چنین است این مبنای کدام است؟
۴. مبانی فقهی اعتبار مالکیت فکری کدام است؟
۵. تأثیر مبانی نظری بر ساختار نظام مالکیت فکری به چه میزان است؟

ویژگی‌های اثر

لازم است اشاره کنم که در سال‌های اخیر در حوزه حق مؤلف و مسائل وابسته، آثار نسبتاً زیادی با عناوین مختلف اعم از کتاب و مقاله (تألیف یا ترجمه) به چاپ رسیده است. اما آنچه اثر حاضر را از سایر آثار منتشرشده در این زمینه متمایز می‌سازد، عبارتند از:

(الف) این اثر بر مبنای یک طرح تحقیقاتی بنا شده و مسائل مختلف و قابل بررسی در این حوزه، به طور جامع و کامل تجزیه و تحلیل شده است؛

(ب) مسائل مطرح‌شده در این کتاب از لحاظ نظری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین مباحث آن بدون هیچ‌گونه پیش‌داوری و جهت‌گیری خاص، می‌تواند در راستای تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با حقوق مالکیت فکری و حق مؤلف (کپی‌رایت)، مورد استفاده قرار گیرد؛

(ج) در این اثر، بحث مالکیت فکری از دیدگاه اسلام به‌طور کامل و با استناد به آیات و روایات بحث و بررسی شده است که تقریباً در هیچ‌یک از آثار قبلی با این کیفیت به آن پرداخته نشده بود. در این زمینه می‌توان به سخن پایانی مؤلف در بخش نتیجه‌گیری کتاب (ص ۴۳۴) استناد کرد که می‌نویسد: این پژوهش می‌تواند آغاز یک راه در مسیر طراحی نظام مالکیت فکری بر اساس حقوق اسلامی قلمداد گردد.

با توجه به موارد ذکر شده، کتاب حاضر اثری منحصر به فرد و ارزشمند محسوب می‌شود.

فصل اول از بخش نخست کتاب، واژه مالکیت فکری را از دیدگاه افراد مختلف و از جنبه‌های مختلف حقوقی، اخلاقی و اقتصادی، تعریف کرده است. در ادامه این بخش به حقوق معنوی، تحولات، مبانی نظری و ماهیت مالکیت فکری اشاره شده است. بنابراین مطالب این بخش تا حدود زیادی، پرسش‌های ۱ و ۲ پژوهش را پاسخ می‌دهد. مؤلف در بخش دوم که در شش فصل تنظیم شده، و در مجموع دارای ۲۰ گفتار و ۴۲ مبحث و چندین زیرمجموعه است، به مبانی فلسفی - حقوقی مالکیت فکری و طرح مباحثی چون مبانی حقوق طبیعی و مبانی اقتصادی مالکیت فکری، مبانی شخصیت، قرارداد و مبانی اخلاقی و همین‌طور رابطه این عوامل با یکدیگر پرداخته و می‌کوشد از دیدگاه صاحب‌نظرانی مانند هگل، کانت و دیگران مبانی نظری مالکیت فکری را تشریح

در زمینه تاریخچه حقوق مالکیت فکری می‌توان گفت که این مقوله به‌طور رسمی از اوایل قرن هیجدهم (۱۷۱۰ م) برای نخستین بار، با تصویب قانون حق مؤلف یا قانون معروف ملکه آن در انگلستان مطرح شد (گر باود، ۱۳۸۰، ص ۲۱-۲۰). اما گسترش و کاربرد آن بعد از جنگ جهانی دوم رشد قابل توجهی داشته است. نظام مالکیت فکری از بدو شکل‌گیری، از مباحث نظری و فلسفی، بسیار تأثیر پذیرفته است. از جمله کسانی که با دیدگاه فلسفی به این مهم پرداخته و تحول زیادی در این حوزه به‌وجود آورده، ایمانوئل کانت^۴ در کتاب علم حقوق^۵ است.

در ایران، اولین بار در دی‌ماه ۱۳۴۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در ۲۳ ماده به تصویب رسید. در دی‌ماه ۱۳۵۲ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مشتمل بر ۱۲ ماده تصویب شد. قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای در دی‌ماه ۱۳۷۹ مشتمل بر ۱۷ ماده به تصویب رسید (نوروزی، ۱۳۸۱، ص ۳۵-۳۳).

معرفی

کتاب مبانی مالکیت فکری تألیف محمود حکمت‌نیا، از پژوهشگران و کارشناسان گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی، به‌رشته تخریر درآمده است. این اثر که به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام شده، در واقع بر مبنای یک طرح تحقیقاتی شکل گرفته است. بر همین اساس، همانند طرح‌های تحقیقاتی در آغاز کتاب مباحثی مانند تبیین موضوع، پیشینه تحقیق، تعریف مسئله، بیان مسئله، سؤال‌های اصلی تحقیق، فرضیه‌ها و روش تحقیق ذکر شده است. کتاب پس از مقدمه، در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول شامل مفاهیم، تحولات و ماهیت مالکیت فکری است. بخش دوم به مبانی فلسفی - حقوقی مالکیت فکری می‌پردازد و بخش سوم به مبانی فقهی مالکیت فکری اختصاص دارد. هر سه بخش کتاب به ترتیب به چند فصل، و هر فصل به چند گفتار و هر گفتار به چند مبحث و هر مبحث نیز به موضوعات کوچک‌تر طبقه‌بندی شده است.

همان‌گونه که اشاره شد کتاب حاضر بر اساس یک پژوهش شکل گرفته است و مؤلف در بخش مقدمه اثر، با طرح سؤال‌های اصلی، به شرح ذیل، به بحث و بررسی موضوع مالکیت فکری می‌پردازد:

۱. ماهیت موضوعی پدیده فکری به لحاظ آثار حقوقی چیست؟

۲. ماهیت حقوقی رابطه پدیدآورنده و پدیده فکری چیست و آیا این رابطه را می‌توان در یکی از عناوین حقوقی جای داد؟

در برخی از قسمت‌های کتاب به مسائل و موضوعات بسیار ریز و کم‌ارتباطی پرداخته شده است که نه تنها به درک و فهم هدف و موضوع اصلی کتاب کمکی نمی‌کند، بلکه باعث پیچیده‌تر شدن مسئله مورد بحث و در نتیجه سردرگمی خواننده می‌گردد

کند. وی در بخش سوم، «مبانی فقهی مالکیت فکری»، که حدود یک‌سوم محتوای کتاب را دربردارد، با ذکر آیات و روایات اسلامی و همچنین با استناد به منابع فقهی و حقوقی به تشریح حقوق مالکیت فکری از دیدگاه اسلام پرداخته است.

در بخش دوم کتاب، با ذکر مقدمه‌ای درخصوص مبانی شخصیت به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر ترسیم نظام مالکیت، به دیدگاه‌های هگل و کانت اشاره می‌شود. این مبحث تا حدودی به روشن شدن مبحث نظام مالکیت فکری کمک می‌کند. اما در ادامه همین گفتار، سه مبحث مجزا به عنوان زیر مجموعه آورده است؛ در مبحث اول «زیرساخت‌های نظریه مالکیت، عینیت شخصیت»، در مبحث دوم «تحلیل مالکیت در نظریه مالکیت، عینیت شخصیت» و در مبحث سوم «مالکیت فکری و عینیت شخصیت» بررسی می‌شود. مؤلف در این سه مبحث می‌کوشد با تشریح دیدگاه‌های فیلسوفانی مانند هگل، کانت و فیخته به فهم بیشتر موضوع یعنی مالکیت فکری کمک نماید. اما از آنجا که مباحث مطرح شده در این بخش، ارتباط چندانی با موضوع حقوق مالکیت فکری ندارد، هر قدر که بیشتر و عمیق‌تر وارد این مباحث می‌شود، از هدف و موضوع اصلی کتاب بیشتر فاصله می‌گیرد و خواننده را در مقابل یک بحث فلسفی غیرمرتبط قرار می‌دهد. بدیهی است، تجزیه و تحلیل مباحث نظری بدون بررسی ابعاد مختلف موضوع، به خصوص دیدگاه‌های فلسفی متخصصان و صاحب‌نظران آن حوزه، مطالعه‌ای کامل و دقیق نخواهد بود، اما باید دقت شود که فقط تا حدودی که به درک بیشتر موضوع کمک می‌کند، به آن بسنده شود و از پرداختن به مسائل عمیق و غیرمرتبط (صرفاً فلسفی) خودداری شود. مؤلف در ادامه همین مباحث به مسائلی چون نظریه روان‌الاهی، ایدئالیسم استعلایی، نفس‌الامر، ماهیت روح و موضوعاتی از این دست می‌پردازد که ارتباطی با مقوله مالکیت فکری ندارد. وی در پایان مبحث اول با جمع‌بندی مباحث چنین آورده است: «برای روشن شدن مطلب و زمینه‌سازی ورود به بحث مالکیت، مناسب است، تا آنچه را که گفته شد، به صورت خلاصه بیان کنیم:

۱. هگل قائل به امر مطلق است که در روح عینیت می‌یابد؛
 ۲. روح با روش دیالکتیک به فهم خود نائل می‌آید؛
 ۳. موضوع شناخت روح، خود روح است؛
 ۴. حرکت شناخت، ادامه می‌یابد و روح به هویت خود که همان مطلق بودن انسان است، می‌رسد؛ یعنی عینیت مطلق خود را می‌یابد» (ص ۲۹۰).
- در ادامه چنین آمده است: «اکنون سخن این است که مالکیت چه نقشی در این خودشناسی روح ایفا می‌کند؟ این موضوع اختصاص دارد» (ص ۲۹۱).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مؤلف هم با این تلخیص و نتیجه‌گیری اذعان داشته است که اینگونه مباحث، با موضوع اصلی کتاب (مالکیت فکری) ارتباط چندانی ندارد. به خصوص در جمله پایانی بعد از بند ۴، که بنده هم مفهوم جمله آخر را متوجه نشدم، یعنی «این موضوع اختصاص دارد» نشان می‌دهد که کتاب علاوه بر تجدیدنظر در ساختار محتوایی، به ویراستاری نیز نیاز دارد.

البته مواردی اینگونه که از موضوع اصلی کتاب فاصله گرفته و به مطالب و موضوعات بسیار اخص پرداخته است، در جاهای مختلف کتاب، دیده می‌شود، به نحوی که در بعضی صفحات به نظر می‌رسد یک متن صرفاً فلسفی را پیش رو دارید. از جمله موارد دیگر در این رابطه در بخش سوم (مبانی فقهی مالکیت فکری) نیز دیده می‌شود، در این بخش، مبانی فقهی مالکیت فکری را مطرح می‌کند و این موضوع را از منظر حقوق اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. به عنوان نمونه، در گفتار پنجم، از صفحه ۴۱۷ تا ۴۲۳، مبحثی با عنوان مقاصد شریعت را مطرح کرده است که در این مبحث هم صرفاً به مسائل فقهی می‌پردازد و به نظر نگارنده، هیچ کمکی در تبیین موضوع مورد بحث نمی‌کند. بنابراین اگر بخواهیم به برخی از کاستی‌های کتاب اشاره کنیم به‌طور کلی می‌توانیم چند مورد زیر را ذکر کنیم.

کاستی‌های کتاب حاضر

۱. در برخی از قسمت‌های کتاب به مسائل و موضوعات بسیار ریز و کم‌ارتباطی پرداخته شده است که نه تنها به درک و فهم هدف و موضوع اصلی کتاب کمکی نمی‌کند، بلکه باعث پیچیده‌تر شدن مسئله مورد بحث و در نتیجه سردرگمی خواننده می‌گردد، برای مثال، در صفحه ۲۷۵ کتاب، فصل دوم، موضوعی با این عنوان «مشروعیت مالکیت فکری در نظریه منطقه فراغ»، مطرح شده که برگرفته از کتاب اقتصاددانان مرحوم سیدمحمد باقر صدر است. وی با استناد به آیات و روایات اسلامی به بحث درخصوص منطقه فراغ می‌پردازد. «منطقه الفراغ به حوزه‌ای از شریعت اسلامی ناظر است که به سبب ماهیت متغیر آن، احکام موضوعات و عناوین می‌تواند متغیر باشد» (ص ۲۷۶ - ۲۷۷). در ادامه این بخش، مؤلف در قالب ۱۰ مبحث مختلف این مسئله را بررسی و در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که «مالکیت فکری به لحاظ موضوعی در این منطقه واقع است» (ص ۲۸۷). به نظر نگارنده طرح چنین مسائلی از حقوق اسلامی، که نیاز به تجزیه و تحلیل دقیق و تخصصی دارد، در این کتاب کمکی به روشن شدن مسئله مالکیت فکری نمی‌کند.
۲. نحوه تنظیم مطالب کتاب به گونه‌ای است که گاهی تا هفت رده (ردیف) موضوعات از سرفصل اولیه تا مباحث جزئی‌تر، ریز شده

در حالی که کتابی با ۴۸۸ صفحه اگر در قطع وزیری (۱۶×۲۳/۵) تنظیم می‌گردید، بسیار زیباتر و برای مطالعه راحت‌تر بود؛
۲. کتاب از لحاظ کیفیت صحافی و همچنین طراحی روی جلد، شرایط مناسبی ندارد.
در مجموع کتاب اثری ارزشمند در این حوزه محسوب می‌شود و در مقایسه با آثار منتشر شده اهمیت و اعتبار بیشتری دارد.

پی‌نوشت‌ها:

* bashiri76@yahoo.com

1. Intellectual Property
2. World Trade Organization (WTO)
3. The Act of Queen Anne
4. Immanuel Kant
5. The Science of Right

است و خواننده برای برقراری رابطه میان مدخل یا سرفصل اصلی با مدخل‌های بسیار ریز، دچار سردرگمی می‌شود، برای نمونه بخش اول کتاب (ص ۲۷) با عنوان مفاهیم، تحولات و ... شروع می‌شود و در ادامه به سه فصل تقسیم، سپس فصل سوم به چهار گفتار و گفتار دوم به پنج مبحث و مبحث پنجم به سه شماره (اعداد عربی) دسته‌بندی و دسته سوم به چهار زیرگروه (با حروف ابجد) و زیرگروه «د» به سه ردیف اخص که به صورت اول تا سوم مشخص گردیده، مرتب شده است.

بنابراین بهتر بود به جای اینکه کتاب، در سه بخش بسیار کلی با تعداد زیادی زیرمجموعه (مدخل فرعی) دسته‌بندی شود، در هفت یا هشت فصل جداگانه تنظیم، و هر فصل نیز با دو یا سه مدخل فرعی مرتب می‌شد.

۳. درج زیرنویس (معادل لاتین) اسامی افراد، عناوین کتاب‌ها و عبارت کامل سرواژه‌ها در برخی از موارد رعایت نشده است، مثلاً در صفحه ۲۱ برای سرواژه «TRIPS» عبارت کامل آن به زبان انگلیسی ذکر نشده است. همین‌طور در صفحه ۲۳ اسامی افراد مانند «ایمانوئل کانت» و عنوان کتاب وی فلسفه حقوق معادل انگلیسی‌شان ذکر نشده است.

۴. برخی از واژه‌ها و اصطلاحات نیاز به معادل فارسی یا زیرنویس لاتین دارند، اما این اصل رعایت نشده است. برای مثال از واژه «کامن لا» برای اولین بار در صفحه ۳۲، و پس از آن در چندجای دیگر استفاده شده است که بهتر بود معادل آن ذکر می‌شد و همچنین در پانویس توضیح مختصری درباره بیان می‌شد. همچنین با توجه به اینکه برای تدوین اثر از منابع اطلاعاتی زبان‌های مختلف استفاده شده است، به خصوص در بخش سوم (منابع عربی)، متن از لحاظ نگارش فارسی یک‌دست و روان نیست و در بسیاری موارد از واژه‌های عربی (مانند اباحه، حضر، حق الطاعة، ص ۳۷۹؛ حق استغلال ص ۴۰۲؛ استحسان ص ۴۲۱ و ...) استفاده شده است که بهتر بود برای یک‌دستی و روان‌سازی متن، راه‌حلی اندیشیده می‌شد.

۵. در مقدمه، که مقوله‌های مختلف طرح پژوهشی بیان شده است، به دو مبحث مهم یعنی جامعه مخاطب و هدف پژوهش، اشاره‌ای نشده است، اگرچه می‌توان با بررسی سؤال‌های پژوهش و محتوای کتاب تا حدودی به هدف و جامعه مخاطب پی برد، اما بهتر بود این دو مقوله را هم مؤلف تشریح می‌کرد تا مطالعه و درک مسائل مطرح‌شده آسان‌تر شود.

درباره ویژگی‌های ظاهری کتاب ذکر چند نکته ضروری

است:

۱. کتاب در قطع وزیری کوچک (۱۴×۲۱) تنظیم شده است،



بحث مالکیت فکری از دیدگاه اسلام به‌طور کامل و با استناد به آیات و روایات بحث و بررسی شده است که تقریباً در هیچ‌یک از آثار قبلی با این کیفیت به آن پرداخته نشده بود

کتاب
اطلاعات ارتباطات و آموزش عالی